

## اثربخشی آموزش فلسفه ورزشی کودکان بر اخلاق شهروندی و مؤلفه های آن در دانش آموزان دختر ابتدایی

<sup>۱</sup> مسلم ایرانشاهی

<sup>۲</sup> ذبیح پیرانی

<sup>۳</sup> محمدهاشم رضایی

<sup>۴</sup> محمدسیفی

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش، اثربخشی آموزش فلسفه ورزشی کودکان بر اخلاق شهروندی و مؤلفه های آن در دانش آموزان دختر پنجم ابتدایی است. این تحقیق از نوع کاربردی و شیوه انجام گرفتن آن نیمه تجربی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری تحقیق را کلیه دانش آموزان پایه پنجم دوره ابتدایی ناحیه یک شهر خرم آباد تشکیل داده است. در این پژوهش، ۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد، ۱۵ نفر در گروه گواه و ۱۵ نفر در گروه آزمایش. این تعداد، به صورت تصادفی در هر یک از گروه ها قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها، پرسشنامه استاندارد مهارت های شهروندی مورد استفاده قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده های گرد آوری شده، از آمار توصیفی و آمار استنباطی (تحلیل کوواریانس) استفاده شد. نتایج حاصل از بررسی های آماری نشان داد که برنامه آموزش فلسفه ورزشی کودکان، بر اخلاق شهروندی اثربخش بود. و از پنج مؤلفه اخلاق شهروندی بر مؤلفه های نوع دوستی، رعایت قوانین و مقررات و زیست مسالمت آمیز اثربخش و بر مؤلفه های مسئولیت پذیری و رعایت حقوق دیگران اثربخش نبود.

**واژگان کلیدی:** فلسفه ورزشی کودکان، اخلاق شهروندی، دانش آموزان ابتدایی

---

۱- دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده علوم انسانی. گروه علوم تربیتی. دانشگاه آزاد اراک

moslem\_135217@yahoo.com

۲- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اراک - z-pirani@iau-arak.ac.ir

۳- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور اراک

۴- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اراک

## طرح مسأله

در تعلیم و تربیت اسلامی آنچه می‌تواند انسان را از هر جهت رشد و تعالی دهد، تفکر است. با تفکر می‌توان به اصلاح و تربیت نفس پرداخت. در واقع تفکر شرط ضروری بهره‌مندی از اختیار و تصمیم‌گیری است و تصمیم‌گیری وقتی میسر می‌شود که انسان قبل از آن به درستی به تفکر پرداخته باشد (مطهری، ۱۳۸۲). این امر در تربیت کودکان بسیار مهم است و یکی از اهداف فلسفه ورزشی کودکان تقویت تفکر بیان شده است. با توجه به مطالعات انجام شده، این نتیجه به دست آمد که آموزش فلسفه با دو رویکرد امکان‌پذیر است: در رویکرد اول، آموزش فلسفه عبارت از یاد دادن چگونه اندیشیدن است؛ آموزش پرسیدن و چگونه پرسیدن. نکته بنیادی در آموزش فلسفه این است که در این قلمرو، تکیه و تأکید بیش از درستی اندیشه، بر درست اندیشیدن است. بنا بر رویکرد دوم، آموزش فلسفه عبارت است از انتقال اندیشه‌های فلسفی به یادگیرندگان. هر چند مطالعه اندیشه‌های دیگران رفته رفته موجب خلق اندیشه‌های ناب می‌شود، این به شرطی است که در مطالعه اندیشه‌های دیگران چنان غرق نشویم که اندیشیدن برای خودمان را فراموش کنیم. (قائدی، ۱۳۸۴). بر اساس ادله مستند، فلسفه تنها رشته‌ای است که به همگان مربوط می‌شود؛ زیرا همگان انسان‌اند و از قوه تفکر برخوردارند و این قوه می‌تواند و باید از طریق فلسفه ورزشی به فعلیت برسد، گرچه ممکن است میزانش متفاوت باشد. از این رو اگر فلسفه را صرفاً مرور پاسخ‌های دیگران بدانیم و به دنبال آن در همان معنا به آموزش پردازیم، این مزیت را از بسیاری گرفته ایم و به اندکی بخشیده ایم (قائدی، ۱۳۸۴). آنچه در این تحقیق مد نظر ماست، رویکرد اول، یعنی فلسفه به مثابه فلسفه ورزشی یا فرایند فعالیت فلسفی است که در اولویت است. فلسفه به این معنا پیچیده و دشوار نیست و همه می‌توانند به آن پردازند؛ هر چند برای ورزیده شدن در فلسفه ورزشی باید مهارت‌های دیگری را آموخت که نیاز به معلم فیلسوف دارد و یادگیرندگان باید رفته رفته مهارت‌هایی مانند استنباط، قیاس و استقرا را بیاموزند. البته این بدان معنا نیست که نتایج فلسفی به هیچ رو سودمند نیستند، ولی تا فلسفه ورزشی صورت نگیرد، نتایج فلسفی نیز پدید نخواهند آمد؛ زیرا ذات فلسفه، فلسفه ورزشی و اندیشیدن است (قائدی، ۱۳۸۴). لذا مطالعه‌ای که

بتواند چنین فرایندی را نقشه راه خود قرار دهد و تقویت اخلاق شهروندی را از طریق آموزش فلسفه ورزشی کودکان بررسی نماید، قابل استفاده برای دست اندرکاران تعلیم و تربیت خواهد بود. همین اهمیت و ضرورت است که انگیزه انجام چنین تحقیقی را فراهم آورده است. چون مؤلفه های اخلاق شهروندی شامل: مسئولیت پذیری، نوع دوستی، رعایت حقوق دیگران، نظم و رعایت مقررات، زیست مسالمت آمیز، (صالحی امیری، ۱۳۹۱) است. و چون برخی از آسیب ها، مشکلات اجتماعی و فرهنگی در شهرهای مابالائتراز استانداردهای جهانی است و این امر نه فقط اسباب ناراحتی و عدم آسایش شهروندان در کوتاه مدت است، بلکه می تواند در درازمدت بر روند توسعه عمومی کشور و سیاست های کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأثیر منفی بر جای بگذارد و چرخه های بیمارزایی را ایجاد کند که حتی به شرایط بسیار نامطلوبی چون گسترش ناآرامی ها و تنش های اجتماعی، بروز انحرافات پایدار و معضل های سخت و پیچیده منجر شود که مقابله با آن ها کار بسیار مشکل و توان فرسایی خواهد بود (فکوهی، ۱۳۸۸). لذا نبود اخلاق شهروندی موجب گسترش بی سازمانی اجتماعی می گردد که با گسترش بی سازمانی اجتماعی که پیوند دهنده روابط فردی با روابط اجتماعی است، باعث ایجاد هرج و مرج اجتماعی و در نتیجه از هم پاشیدن اعتماد اجتماعی می شود و هر فردی به فکر منافع فردی به جای منافع ملی خواهد بود. هیچ فردی نه می تواند و نه باید به گونه ای انحصاری تنها در فکر پیشرفت و گسترش زندگی مادی خود برآید، بدون آنکه هیچ ارزش و اهمیتی برای سایر اجزای جامعه قائل شود چرا که آنگاه برای نیل به این اهداف تنها باید از باقیمانده سایرین عبور کرد که اگر اینگونه شود بی گمان آنچه بر جای خواهد ماند جز ویرانه ای نخواهد بود. اخلاق شهری و شهروندی اگرچه امروز به همراه مفاهیم مدرن و در قالبی نو به مخاطبان عرضه می شود اما اخلاق همیشه یک قلمروی مهم در زندگی اجتماعی و معرفتی هر فرد شناخته می شود و چه بسا حتی پیش از هر چیز یک وسیله تنظیم کننده در روابط اجتماعی انسان ها نیز تلقی شود، اخلاق در شکل اجتماعی اش یک ضرورت است. باید گفت رفتار هر کس در جامعه عرضه کننده گونه ای از روابط آشکار و پنهان موجود در همان جامعه است، چون به هر حال انسان معلول اجتماع است و

اجتماع در قبال او دارای مسوولیت. هرچند این واقعیت هرگز نمی‌تواند توجیهی بر رفتارهای قانون‌شکنانه و نادرست او به بهانه تاثیر گرفتن از جامعه و یا گرفتن انتقام از آن شود. به هر حال این امری انکارناشدنی است که هرگاه عملی غیراخلاقی از کسی سر بزند، آنکه نخست متهم اصلی به شمار خواهد رفت خود او خواهد بود که باید پاسخگوی کردار نادرست خویش باشد (صالحی امیری، ۱۳۹۱). انسان به تدریج در اثر کسب تجارب گوناگون به شخصیت خود شکل می‌دهد و از هویت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. این شکل‌گیری شخصیت با افزایش سن و تجارب، ثبات و استحکام بیشتری پیدا می‌کند. کودک در مرحله‌ای است که عوامل محیطی چندان بر او سلطه یافته‌اند و شخصیت او را کاملاً شکل نداده‌اند (ملکی، ۱۳۹۳). تجاربی که فرد در کودکی کسب می‌کند بخش عمده‌ای از شخصیت او را شکل می‌دهد. با توجه به این که تربیت ناظر بر ابعاد مختلف شخصیت انسان است، لذا اخلاق شهروندی نیز به عنوان یکی از الزامات زندگی برای هر فرد و به تبع آن جامعه، نیازمند برنامه‌ریزی و آموزش است.

بنابراین برنامه آموزش فلسفه ورزی کودکان از طریق اجتماع پژوهی و تشکیل حلقه‌های کندوکاو، به کودکان کمک می‌کند تا گفتگو را تمرین کنند، بر روی ایده‌های جمعی و گروهی تمرکز کنند، به نظرات یکدیگر گوش کنند، به یکدیگر احترام بگذارند و قدرت تصمیم‌گیری و داوری در مورد شقوق مختلف را در خود تقویت نمایند. آنها می‌آموزند که خود قوانین تعامل با یکدیگر را وضع کنند و بر رعایت آن پافشاری کنند و در عین حال عواقب عدم رعایت آنرا تمرین کنند. آنها پی می‌برند که تنها آنها نیستند که نظراتی دارند و تنها کسانی نیستند که معتقدند نظرات شان درست است از این رو انعطاف‌پذیر و غیر متعصب بار می‌آیند. آنها در ضمن تعامل، قواعد اخلاقی و منطقی را کشف می‌کنند بدون اینکه نامی از فلاسفه مشهور برده باشند یا شنیده باشند.

### پیشینه تحقیق

قبادیان (۱۳۹۴) در پژوهشی با تاثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. نتایج حاصل از بررسی‌های آماری نشان داد که برنامه آموزش فلسفه، بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کلاس پنجم تاثیر داشته است.

یزدانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با موضوع بررسی و تبیین مولفه های اخلاق شهروندی در کتاب های دینی مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه دوره اول و دوم ۹۳ - ۹۲ عنوان می نماید در واقع اخلاق شهروندی، اصولی است که سبب رعایت حقوق فردی و اجتماعی، پیروی از قوانین و مقررات اجتماعی، مسئولیت پذیری اجتماعی در روابط و مناسبات گوناگون اجتماعی می گردد. بر این اساس اخلاق شهروندی در ابعاد موضوعی مختلف از جمله اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اخلاق اقتصادی، اخلاق سیاسی، اخلاق خانواده، اخلاق دولت مردان، اخلاق - مدیران، اخلاق رسانه و... ظاهر می شود

هادی زاده ، آزادی طلب ، تیرافکن (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان فلسفه برای کودکان و نوجوانان (آموزش اخلاقیات و حقوق شهروندی). به این نتیجه رسیدند که کاوشگری فلسفی با فراهم کردن فرصت گفتن و شنیده شدن، تقویت شیوه های همکاری و کار گروهی، توانایی بخشیدن به افراد برای استدلال و نقد کردن، تقویت مهارت های ارتباطی و مشارکتی و زمینه قدرتمندی را فراهم می کند تا کودکان دریابند خود می توانند درون تشکیلاتی در جوی مملو از توجه و ایمنی کارگزار باشند. در چنین فضایی فلسفه برای کودکان به آنها کمک می کند تا ارتقاء یابند و به عنوان شهروند حقوق خود را تمرین کنند .

بهروزی نیک (۱۳۹۳)، در پژوهشی با موضوع بررسی زمینه های رشد اخلاقی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان عنوان می نماید که این برنامه می تواند به رشد اخلاقی کودکان کمک کند ولی اجرای این برنامه نیازمند شرایط روانی و فرهنگی مناسب است.. و از نظر پیش فرض های روانشناختی گرچه بر اساس مراحل رشد شناختی پیازه ای این برنامه برای کودکان مناسب به نظر نمی رسد اما روانشناسی ویگوتسکی و برونر مبنای روانشناختی مناسبی برای برنامه آموزش فلسفه به کودکان می باشد.

پیرانی ( ۱۳۹۲ ) در رساله دکترای خود با عنوان اثربخشی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خودبازداری هیجانی، قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی ابعاد مؤثر این برنامه آموزشی

را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در نتایج تحقیق گزارش شده است دانش

آموزان گروه آزمایش که در اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان شرکت نموده‌اند، به کسب خودبازداری هیجانی نایل آمده، در قضاوت اخلاقی آنها تأثیر مثبت داشته، به رضایت از زندگی آنها انجامیده است.

قاسمی منفرد (۱۳۹۱)، در پژوهشی با موضوع بررسی رابطه آموزش شهروندی و اخلاق شهروندی در مدارس منطقه ۶ شهر تهران عنوان می‌نماید آزمون فرضیه‌ها حکایت از وجود همبستگی میان آموزش شهروندی و اخلاق شهروندی دارد. همچنین میان شیوه آموزشی معلم با بعد ارزشی اخلاق شهروندی، رابطه معنادار وجود دارد. بین رویکرد کلی مدرسه با اخلاق شهروندی نیز رابطه وجود دارد.

ماهرزاده و رمضان پور (۱۳۹۰)، در پژوهشی با موضوع تأثیر روش اجتماع پژوهی بر نامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های شهروندی عنوان می‌نمایند که اجرای روش اجتماع پژوهی برنامه آموزش فلسفه به کودکان، می‌تواند بر پرورش مهارت‌های شهروندی دانش آموزان سوم دبستان تأثیر مثبت داشته باشد.

تحریر (۱۳۹۰)، در پژوهشی با موضوع بررسی تأثیر برنامه آموزش فلسفه به نوجوانان بر پرورش قضاوت اخلاقی آنان با استفاده از داستانهای گلستان عنوان می‌نماید پس از انجام مداخله یعنی برنامه فلسفه به کودکان و نوجوانان، یافته‌های پژوهش نشان داد که برنامه آموزش فلسفه به کودکان و نوجوانان از توانایی لازم برای رشد ارزش‌های اخلاقی دانش آموزان و مهارت‌های زندگی آنان برخوردار است.

جهانی (۱۳۸۶)، در پژوهشی با موضوع بررسی تاثیرات برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش‌های اخلاقی دانش آموزان عنوان می‌نماید که برنامه آموزش فلسفه به کودکان: ۱. از توانایی لازم برای رشد مهارت‌های استدلالی بین کودکان ایرانی برخوردار است. ۲. می‌تواند از طریق مهارت‌های پژوهشی، به تقویت منش‌های اخلاقی دانش آموزان کمک کند. ۳. قادر است در کودکان مهارت‌های ترجمه‌ای را به صورت مقطعی رشد دهد و از این طریق می‌توان به پرورش ارزش‌ها و رفتارهای مبتنی بر آنها دست یافت.

## روش

### آزمودنی ها یا شرکت کنندگان در پژوهش

جامعه آماری دانش آموزان شاغل به تحصیل در پایه پنجم ابتدایی مدارس دولتی ناحیه یک خرم آباد در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ بود. از آنجا که این تحقیق به روش نیمه تجربی انجام می شود، تعیین حجم نمونه بر اساس حجم اثر و توان آزمون تعیین می شود. این تحقیق بر اساس  $\alpha = 0.05$  و حجم اثر  $0.60$  و توان آزمون  $0.89$  به اجرا درآمد. (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰) بنابراین حجم گروه نمونه ۳۰ نفر بود که به صورت هدفمند و در دسترس انتخاب شد. که گروه آزمایش ۱۵ نفر و به تناسب آن تعداد ۱۵ نفر نیز در گروه گواه به صورت تصادفی سازماندهی شدند.

### وسیله و ابزار پژوهش

در این تحقیق جهت سنجش میزان اخلاق شهروندی از پرسشنامه استاندارد سنجش مهارت های شهروندی (رمضان زاده، ۱۳۸۸) استفاده گردید. اعتبار یا روایی با این مسئله سر و کار دارد که یک ابزار اندازه گیری تا چه حد چیزی را اندازه می گیرد که ما فکر می کنیم (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). به منظور بررسی میزان روایی اعتبار پرسش نامه تحقیق، آلفای کرونباخ آن محاسبه شد که مقدار  $0.83$  می باشد که نشان می دهد که دارای اعتبار خوبی می باشد. همچنین محقق اقدام به تعیین آلفای کرونباخ نموده که به روایی  $0.79$  دسترس پیدا کرد. محتوای این مقیاس را ۲۰ سوال تشکیل داده است، که مقیاس های در نظر گرفته شده عبارتند از: مسؤلیت پذیری، رعایت حقوق دیگران، رعایت نظم و انسجام، نوع دوستی و زیست مسالمت آمیز.

### شیوه اجرا

از آنجا که در این تحقیق متغیر مستقل یعنی آموزش فلسفه ورزشی کودکان در کلاس دانش آموزان اجرامی شود، روش جمع آوری داده ها به صورت میدانی با اجرای آزمون صورت گرفته است. نظر به اینکه در این تحقیق تمرین مهارت های آموزش فلسفه ورزشی برای کودکان از قبیل استدلال کردن، ارزیابی و داوری کردن، مقایسه کردن، تجزیه و تحلیل و تفکر انتقادی و خلاق ضرورت داشته است، و این آموزش جهت تقویت اخلاق

شهروندی و مؤلفه‌های آن در دستور کار قرار داشته است، پژوهش‌گر بسته آموزشی خود را به عنوان یک محتوای آموزشی به گونه‌ای طراحی و اجرا نمود که به این اهداف دست یابد. در این راستا با استفاده از داستان‌های فلسفی سعی در تحقق نمودن اهداف تحقیق شده است. این داستان‌ها در مدرسه‌ی مجری در خلال برنامه‌های رسمی هفتگی ارایه گردید. طول مدت اجرا، دوماه و در هفته دو روز و در هر روز یک جلسه در نظر گرفته شد. در هر جلسه ابتدا داستان توسط یکی از دانش‌آموزان و محقق قرائت می‌شد، آنگاه محتوای داستان به بحث و تبادل نظر گذاشته می‌شد. در ادامه مهم‌ترین اظهارات دانش‌آموزان در تابلو یادداشت می‌شد و در مورد نقش اول داستان داوری و قضاوت صورت می‌گرفت. در این روش آموزش فلسفه ورزشی به کودکان مدت ۱۲ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای با گروه آزمایش انجام گرفت. بسته آموزشی شامل: داستان‌های فلسفی گات و گات، اسکات، ناجی، کم و فیشر بود. قبل از شروع آموزش پرسش‌نامه‌ها حاوی سؤالات مربوط به اخلاق شهروندی در هر دو گروه کنترل و آزمایش، به عنوان پیش‌آزمون اجرا شد و سپس متغیر مستقل یعنی آموزش فلسفه ورزشی اعمال گردید. و پس از اتمام جلسات آموزش برای هر دو گروه، آزمایش و کنترل پس‌آزمون نیز اجرا شد.

### طرح پژوهش

پژوهش حاضر به صورت نیمه تجربی و با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه صورت گرفته است. در این طرح انتخاب آزمودنی‌ها از جامعه و جایگزین شدن آنها در گروه‌ها به صورت غیرتصادفی و در دسترس انجام شد. به منظور تجزیه و تحلیل ویژگی‌های اخلاق شهروندی گروه‌های مورد مطالعه و پاسخ‌های سؤالات از روش‌های آمار توصیفی شامل جدول، نمودار، محاسبه شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه و نما)، و پراکندگی (واریانس و انحراف معیار) استفاده شد. جهت مقایسه اخلاق شهروندی و بررسی تأثیر آموزش فلسفه ورزشی به کودکان بر روی گروه آزمایش از تحلیل کواریانس استفاده شد. ضمناً کلیه مراحل داده‌پردازی و تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS انجام شده است.



### یافته ها

جدول ۱- یافته های توصیفی مربوط به پیش آزمون و پس آزمون اخلاق شهروندی مناسب گروه آزمایش و گواه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
پیش آزمون آزمایش	۵۲/۱۳	۴/۴۵
پس آزمون آزمایش	۵۴/۵۳	۳/۰۷
پیش آزمون گواه	۵۳/۰۰	۳/۷۰
پس آزمون گواه	۴۸/۶۰	۳/۷۶

جدول ۲- نتیجه بررسی مدل تعاملی میان گروه ها و پیش آزمون و پس آزمون اخلاق شهروندی

مقدار آماره f	درجه آزادی	سطح معناداری
۲/۸۳	۲۶ و ۱	۰/۱۱

جدول ۳- نتایج تحلیل کوواریانس (آنکوا) مقایسه پس آزمون اخلاق شهروندی مناسب گروه های آزمایش و گواه با کنترل پیش آزمون

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون f	p	مقدار اندازه اثر
همپراش	۷۵/۱۸۹	۱	۷۵/۱۸۹	۷/۹۹	۰/۰۰۹	۰/۲۳
اثر اصلی	۲۹۲/۲۹۰	۱	۲۹۲/۲۹۰	۳۱/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۵۴
باقیمانده	۲۵۴/۱۴۴	۲۷	۹/۴۱۳			
کل	۸۰۳۶۷/۰۰۰	۳۰				

همان گونه که خروجی جدول ۲، نشان می دهد، مقدار f اثر متقابل و تعدیل کننده با متغیر وابسته برابر با ۲/۸۳ و سطح معنا دارای آن برابر با ۰/۱۱ است که از لحاظ آماری معنادار نمی باشد (۰/۰۵ > p)، بنابراین شرایط مطلوب یعنی یکسانی شیب های رگرسیون برای تحلیل کوواریانس فراهم است و می توان به نتایج حاصل از کوواریانس اعتماد کرد.

خروجی جدول ۳، نشان می‌دهد مقدار  $F$  با درجه آزادی ۱ و ۲۷ برابر با  $۳۱/۰۵$  و سطح معنا دارای آن برابر  $۰/۰۱$  است که از نظر آماری کاملاً "معنا دارمی باشد" ( $p < ۰/۰۵$ )، بنابراین این فرضیه اصلی تحقیق که بیان می‌دارد آموزش فلسفه ورزی کودکان بر اخلاق شهروندی اثربخش است تایید می‌گردد و فرض خلاف آن رد می‌شود، نتایج جدول توصیفی ۱ نیز نشان می‌دهد میانگین اخلاق شهروندی در گروه آزمایش  $۵/۹۳$  نمره از میانگین اخلاق شهروندی در گروه گواه، بیشتر است. هم‌چنین مطابق با نتایج جدول ۳، شاخص اندازه اثر (مجذور اتا) به میزان  $۰/۵۴$  است که از مقدار سنتی و معمول  $۰/۱۴$  یعنی اتا در حد زیاد بیشتر است ( $۰/۱۴ > ۰/۵۴$ )، لذا تأثیر آموزش فلسفه ورزی بر تقویت اخلاق شهروندی دانش آموزان در حد زیاد بوده و در این زمینه اثربخش است.

جدول شماره ۴: یافته‌های توصیفی مربوط به پیش‌آزمون و پس‌آزمون مؤلفه‌های

اخلاق شهروندی مناسب گروه آزمایش

مؤلفه‌ها	متغیرها	میانگین	انحراف معیار
مسئولیت‌پذیری	پیش‌آزمون	۸/۷۳	۰/۴۶
	پس‌آزمون	۸/۸۰	۰/۵۶
نوع دوستی	پیش‌آزمون	۷/۶۷	۱/۴۰
	پس‌آزمون	۸/۸۰	۰/۵۶
رعایت حقوق دیگران	پیش‌آزمون	۸/۰۰	۱/۵۱
	پس‌آزمون	۸/۶۰	۰/۵۱
نظم و انسجام	پیش‌آزمون	۹/۵۳	۱/۳۰
	پس‌آزمون	۹/۹۳	۱/۲۸
زیست‌مسالمت‌آمیز	پیش‌آزمون	۸/۲۰	۲/۲۷
	پس‌آزمون	۱۲	۰/۰۱

جدول شماره ۵: یافته های توصیفی مربوط به پیش آزمون و پس آزمون مؤلفه های اخلاق شهروندی مناسب گروه گواه

مؤلفه ها	متغیرها	میانگین	انحراف معیار
مسئولیت پذیری	پیش آزمون	۸/۸۰	.۵۶
	پس آزمون	۸/۸۰	.۵۶
نوع دوستی	پیش آزمون	۸/۴۷	.۸۳
	پس آزمون	۶/۵۳	۱/۷۳
رعایت حقوق دیگران	پیش آزمون	۸/۳۳	.۹۰
	پس آزمون	۸/۳۳	.۹۰
نظم و انسجام	پیش آزمون	۸/۵۳	۱/۸۱
	پس آزمون	۶/۰۷	۱/۹۸
زیست مسالمت آمیز	پیش آزمون	۸/۸۷	۲/۲۰
	پس آزمون	۸/۵۳	۱/۶۴

جدول شماره ۶: نتیجه بررسی مدل تعاملی بین گروه ها و پیش آزمون و پس آزمون مؤلفه های اخلاق شهروندی

مؤلفه ها	مقدار f	درجه آزادی	سطح معنی داری
مسئولیت پذیری	۹/۰۶	۱ و ۲۶	.۰۱
نوع دوستی	.۰۰۱	۱ و ۲۶	.۱۰
رعایت حقوق دیگران	۵۳/۸۵	۱ و ۲۶	.۰۰۱
نظم و انسجام	.۱۶	۱ و ۲۶	.۷۰
زیست مسالمت آمیز	.۹۴	۱ و ۲۶	.۳۴

جدول شماره ۷: نتایج تحلیل کوواریانس (آنکوا) مقایسه پس آزمون مؤلفه های اخلاق شهروندی مناسب گروه های آزمایش و گواه با کنترل پیش آزمون

مؤلفه ها	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات
----------	--------------	--------------	------------	----------------

آماره آزمون f p-مقدار اندازه اثر						
مسئولیت‌پذیری	همپراش	۲/۸۸۵	۱	۲/۸۸۵	۱۳/۱۷۲	۰/۰۰۱
اثر اصلی		۰/۱۳	۱	۰/۱۳	۰/۸۱	۰/۰۰۲
باقیمانده		۵/۹۱۵	۲۷	۰/۲۱۹	کل	۲۳۳۲/۰۰۰
نوع دوستی	همپراش	۰/۲۰۲	۱	۰/۲۰۲	۰/۱۱۸	۰/۷۳۳
اثر اصلی		۳۲/۳۶۳	۱	۳۲/۳۶۳	۱۹/۰۲	۰/۰۰۱
باقیمانده		۴۵/۹۳۲	۲۷	۱/۷۰۱	کل	۱۸۴۸/۰۰۰
مؤلفه‌ها منبع تغییرات مجموع مربعات درجه آزادی میانگین مربعات						
آماره آزمون f p-مقدار اندازه اثر						
رعایت حقوق دیگران	همپراش	۴/۷۴۱	۱	۴/۷۴۱	۱۲/۵۵۹	۰/۰۰۱
اثر اصلی		۱/۰۴۵	۱	۱/۰۴۵	۲/۷۶۹	۰/۱۰۸
باقیمانده		۱۰/۱۹۲	۲۷	۰/۳۷۷	کل	۲۱۶۶/۰۰۰
نظم و انسجام	همپراش	۴/۶۶۴	۱	۴/۶۶۴	۱/۷۲۰	۰/۲۰۱
اثر اصلی		۸۸/۰۹۷	۱	۸۸/۰۹۷	۳۲/۴۹	۰/۰۰۱
باقیمانده		۷۳/۲۰۳	۲۷	۲/۷۱۱	کل	۹۹۱۰/۰۰۰
زیست‌مسالمت‌آمیز	همپراش	۱/۱۹۴	۱	۱/۱۹۴	۰/۸۸۲	۰/۳۵۳
اثر اصلی		۸۴/۹۴۲	۱	۸۴/۹۴۲	۶۲/۷۷	۰/۰۰۱
باقیمانده		۳۶/۵۴۰	۲۷	۱/۳۵۳	کل	۳۲۹۰/۰۰۰

همان‌گونه که خروجی جدول ۶، نشان می‌دهد، مقدار f اثر متقابل و تعدیل‌کننده با متغیر وابسته در کلیه مؤلفه‌ها از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد ( $p > .05$ )، بنابراین شرایط مطلوب یعنی یکسانی شیب‌های رگرسیون برای تحلیل کوواریانس فراهم است و می‌توان به نتایج حاصل از کوواریانس اعتماد کرد.

خروجی جدول ۷، نتایج تحلیل کوواریانس را نشان می‌دهد. مقدار f با درجه آزادی ۱ و ۲۷ از نظر آماری کاملاً "در مؤلفه‌های نظم و انسجام، نوع دوستی، زیست‌مسالمت‌آمیز معنا دار می‌باشد ( $p < .05$ )، و در مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و رعایت حقوق دیگران

معنادار نمی باشد ( $p > .05$ )، بنابراین فرضیه اختصاصی تحقیق که بیان می دارد آموزش فلسفه ورزی کودکان بر مؤلفه های اخلاق شهروندی اثربخش است، در مؤلفه های نظم و انسجام، نوع دوستی، زیست مسالمت آمیز تایید می گردد و فرض خلاف آن رد می شود، و در مؤلفه های مسئولیت پذیری و رعایت حقوق دیگران رد می شود و فرض خلاف آن تایید می گردد. نتایج جداول توصیفی شماره های ۴ و ۵ میانگین مؤلفه های اخلاق شهروندی در گروه آزمایش و گواه را نشان می دهد که در گروه آزمایش میانگین کلیه مؤلفه ها افزایش پیدا کرده، هم چنین مطابق جدول ۷ شاخص اندازه اثر (مجذوراتا) در مؤلفه های نظم و انسجام، نوع دوستی، زیست مسالمت از مقدار سنتی و معمول ۰/۱۴ یعنی اِتا در حد زیاد بیشتر است، لذا تأثیر آموزش فلسفه ورزی بر تقویت مؤلفه های اخلاق شهروندی در حد زیاد بوده و در این زمینه اثر بخش است و شاخص اندازه اثر در مؤلفه های مسئولیت پذیری و رعایت حقوق دیگران از مقدار سنتی و معمول ۰/۱۴ در حد کم بوده، لذا تأثیر آموزش فلسفه ورزی بر کاهش مؤلفه های فوق اثر بخش نبوده است.

### بحث و نتیجه گیری

اخلاق شهروندی را می توان مجموعه ای از قوانین و عرف های اجتماعی تعریف کرد که بتوانند در شهرها به دست اندرکاران و ساکنان این شهرها برای زندگی هماهنگ و بدون تنش چه با یکدیگر و چه با محیط زیست و به توسعه پایدار کمک کند. از این منظر اخلاق شهروندی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی و فرهنگی انسان در جامعه امروز است و یکی از مباحث اساسی جامعه شهری در هر دوره تاریخی از زندگی انسان محسوب می شود به عبارتی اخلاق شهروندی برنامه ای است که رفتارها و قانون هایی که یک شهروند در جامعه باید انجام دهد و قوانینی که وجود دارد را بیان می کند. با توجه به مجموعه نظریات مرتبط در زمینه اخلاق و اخلاق شهروندی در نهایت تعریفی از اخلاق شهروندی را به صورت زیر ارائه می کنند: اخلاق شهروندی مجموعه ای از باورها، ارزش ها، هنجارها، رفتارهای تعمیم یافته در سطح جامعه که وجود آن برای تداوم زیست شهری ضروری و نفی آن را زیان بار تلقی می کنند و نتیجه ارتقای اخلاق شهروندی را انسجام، آرامش، همزیستی مسالمت آمیز و احساس امنیت عمومی است. در

واقع مجموعه ای از ارزش ها و رفتارهای شهروندان و خلیقات آن ها در تعامل با یکدیگر به نحوی که زندگی شهری را دارای ویژگی های مانند انسجام، ثبات و زیست مسالمت آمیز نماید. در اخلاق شهروندی به طور خلاصه از عمده ویژگی های آن می توان به موارد زیر اشاره کرد: حس نوع دوستی، هم نوایی (همدردی)، مسئولیت پذیری (احساس مسئولیت)، نظم، ثبات، انسجام، امنیت و زیست مسالمت آمیز (صالحی امیری، ۱۳۹۱)

برنامه آموزش فلسفه به کودکان نیز، همانطور که در تحقیقات پیشین و نیز در این تحقیق نشان داده شده است، می تواند با به کارگیری و ایجاد حلقه های کندوکاو و مشارکت فعال کودکان، در ایجاد و تقویت اخلاق شهروندی به آنان یاری رساند. تعلیم و تربیت امروز به جای تمرکز و دستیابی به استعدادهای نهفته، تنها به مهارت های خاصی تمرکز می کند. چه بسا بتوان افراد را آموزش داد تا متفکرانی مؤثرتر و هوشمندتر شوند. نهضت آموزش مهارت های فکری به کودکان، اعتقاد دارد که روش تفکر را می توان آموخت و آموزش داد و نیز می توان سطح هوش کلی و میانجی گری کودک را از طریق معلم یا والدین ارتقا بخشید. یکی از رویکردهای ناظر بر این امر، شتاب بخشیدن به رشد شناختی و نیز افزایش توانایی کودکان در یادگیری و اندیشیدن است. اساس شخصیت کودک از سال های اولیه کودکی شکل می گیرد. بنابراین شالوده مهارت های فکری باید از همان سال های اولیه زندگی پی ریزی شود. در این تحقیق، کودکان در ابتدای کلاس های فلسفه، بیشتر سعی داشتند که در بحث ها برنده باشند. بنابراین گاهی بر عقاید نادرست خود پافشاری و به دنبال روزنه هایی جهت توجیه عقاید خود بودند. در صورتی که در تعلیم و تربیت به این امر توجه نشود، آنان به بزرگسالی جزم اندیش و متعصب تبدیل خواهند شد که توانایی گفت و گوی آزاد و مستدل را نخواهد داشت.

متأسفانه در آموزش مواد درسی معمول در برنامه های آموزشی مدارس، زمان خاصی برای تفکر، استدلال و مباحثه در نظر گرفته نمی شود. تفکر عقلانی در هر حیطه ای بر اساس منطق و قواعد بنیادی صورت می گیرد و راهبردهای ناظر به حل مسأله به تمام

حیطه های تجربه مربوط می شود. بنابراین مدرسه باید در جهت تشویق به تفکر و اندیشیدن کودکان اقدام نماید. (فیشر، ۱۳۸۵)

هدف برنامه آموزش فلسفه به کودکان این است که آنان به انسان هایی متفکرتر، انعطاف پذیرتر، با ملاحظه تر و منطقی تر تبدیل شوند. فراگیری بسیاری از این مهارت ها و نیز ایجاد تمایل برای استفاده از این مهارت ها، از طریق زبان و با ایجاد یک اجتماع پژوهشی، یعنی جایی که کودکان به عنوان اقدامی مشارکتی به تبادل نظر با یکدیگر می پردازند، به بهترین شکل ممکن امکان پذیر است. (همان منبع)

برنامه آموزش فلسفه به کودکان می تواند باعث تقویت توانایی مشارکت آنان شود. به علاوه، این روش می تواند ساختارهای مفهومی را در کودکان افزایش دهد که این امر منجر به افزایش توانایی مشارکت، اعتماد به نفس و گفت و گو و در نتیجه به همکاری با دیگران و مسؤولیت پذیری نسبت به آنان می انجامد حل تعارضات نیز یکی دیگر از نتایج این روش است. بنابراین می توان از آموزش فلسفه ورزی به کودکان به عنوان روشی برای آموزش تفکر در جهت تقویت اخلاق شهروندی استفاده نمود. آموزش فلسفه به کودکان باعث افزایش مهارت استدلال در آنان می شود. استدلال، نوعی درک روابط بین مقدمات و نتایج آن ها است. فردی که از قدرت استدلال برخوردار باشد، به ارزش هایی مانند هم بستگی و تعاون و مفروضات اخلاقی دست می یابد. (لیپمن، ۲۰۰۳)

بنابراین کودکانی که برنامه آموزش فلسفه را تجربه می کنند، در زمینه های شهروندی و

تربیتی و تصمیم گیری های معقول و خلاق نسبت به هم سالان خود، که از این آموزش بی بهره اند، پیشرفت بیشتری دارند. کودکان دانش و تجربیات خود را در جریان اجتماع پژوهشی در کلاس های فلسفه، با یکدیگر به اشتراک می گذارند و استدلال هایی که انجام می دهند، دانش و تجربیات جدید به دست آمده را مدیریت می کنند تا به نتایج منطقی برسند و در این راستا مجدداً آن را بازسازی می کنند. پس این روش می تواند یادگیرنده را به سمت ارزش ها و نیز حل مسأله و خلاقیت هدایت نماید. بدین ترتیب، این برنامه می تواند کودکان را به سمت رشد و توسعه ارزش های اخلاقی و اجتماعی و اخلاق شهروندی سوق دهد. که این یافته ها با اکثر یافته های حاصل در این

زمینه همسو است که از این میان می‌توان به قبادیان (۱۳۹۴)، یزدانی (۱۳۹۴)، هادی زاده (۱۳۹۳)، پیرانی (۱۳۹۲)، رمضان پور (۱۳۹۰) و جهانی (۱۳۸۶) اشاره کرد.

در مورد اینکه چرا علیرغم پیشرفت معنادار در سایر مؤلفه‌های اخلاق شهروندی، در مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و رعایت حقوق دیگران تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است می‌توان چنین گفت که طبق اصول اولیه آموزش فلسفه ورزی، تعیین‌کننده سمت و سوی بحث‌های گروهی، خود دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مداخله هستند. این امر سبب می‌شد پژوهشگر از اعمال نفوذ در فرایند بحث خودداری نماید و همین مسأله سبب شد پرداختن به برخی مؤلفه‌های قید شده به‌طور کامل "مستقیم نشود. اگرچه بحث‌ها گاه به‌طور ضمنی و تلویحی به این حوزه‌ها نیز وارد می‌شد. این مسأله سبب می‌شد تفکرات دانش‌آموزان در مورد ناکامی‌های کاری به‌طور مستقیم مورد چالش قرار نگیرند و در نتیجه تغییر معناداری در این زمینه مشاهده نشده است. و دلیل دیگری که می‌توانست مؤلفه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد عواملی هم چون ابعاد فرهنگی، سنت‌ها، دین و رسم و رسوم می‌باشد که به‌طور مستقیم می‌توانند اخلاق شهروندی را تحت تأثیر قرار دهد. اما روش دیگر برای تعدیل دیدگاه آرمان‌گرایانه کودکان، آموزش واقعیت‌های موجود در زندگی به آن‌هاست. برنامه فلسفه ورزی برای کودکان با فراهم آوردن داستان‌هایی که در آنها نمونه‌هایی از رفتار غیر منصفانه در دنیای واقعی ارائه شده است سعی بر آن دارد تا این واقعیت را به کودکان و نوجوانان بیاموزد که در دنیای واقعی گاه بی‌انصافی‌هایی وجود دارد که اگرچه درست نیستند اما اتفاق می‌افتند. بنابراین باید وجود آن‌ها را پذیرفت و برای آن‌ها چاره‌ای اندیشید.



### فهرست منابع

- برنامه درسی آموزشی فلسفه به کودکان به عنوان یک نوآوری (دی ۱۳۸۵) همایش ملی نوآوری های آموزشی تهران
- بهروزی نیک، نورالدین (۱۳۹۳)، بررسی زمینه های رشد اخلاقی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان ، پایان نامه ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز
- پیرانی، ذبیح (۱۳۹۲) اثربخشی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خودبازداری هیجانی، قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان. رساله دکترا. تهران. دانشگاه علوم و تحقیقات
- تحری (۱۳۹۰)، بررسی تاثیر برنامه آموزش فلسفه به نوجوانان بر پرورش قضاوت اخلاقی آنان با استفاده از داستان های گلستان، پایان نامه ارشد. دانشگاه الزهرا
- جهانی، جعفر. (۱۳۸۲). برنامه فلسفه برای کودکان و رشد اخلاقی. وزارت علوم
- جهانی (۱۳۸۶) ، بررسی تاثیرات برنامه ی آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش های اخلاقی دانش. مجله مطالعات برنامه درسی . شماره ۷
- دلاور، علی. (۱۳۹۲). روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی. تهران. انتشارات پیام نور
- سرمدو همکاران. (۱۳۹۰) روش تحقیق در علوم رفتاری. تهران. نشر دوران
- هادی زاده مجتبی ، آزادی طلب عسل ، تیرافکن خدیجه ، (۱۳۹۳)، فلسفه برای کودکان و نوجوانان آموزش اخلاقیات و حقوق ، کنفرانس بین المللی روان شناسی و علوم رفتاری
- صالحی امیری ، سید رضا ۱۳۹۱. انسجام ملی و تنوع فرهنگی. تهران. انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام
- قائدی ، یحیی. (۱۳۸۴). بررسی مبانی نظری آموزشی به کودکان. تهران : دواین
- قبادیان ، مسلم (۱۳۹۴). تاثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی، فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، ۳۰
- فالکس، کیت. (۱۳۸۱). شهروندی. ترجمه محمد تقی دل افروز. تهران. نشر کویر
- فیشر، رابرت. (۱۳۸۵). آموزش تفکر به کودکان (ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان). اهواز: انتشارات رسش (۲۰۰۱)
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸). تقویت اخلاق شهروندی : راهی برای گذار به مردمسالاری مشارکتی، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران سال سوم. شماره ۹
- گوتک ، جرال دلی. (۱۳۹۴)، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی ( ترجمه ی محمد جعفر پاک سرشت

( تهران : سمت

- قاسمی منفرد ، الهام(۱۳۹۱)، در پژوهشی با موضوع بررسی رابطه آموزش شهروندی و اخلاق شهروندی در مدارس منطقه ۶ شهر تهران. پایان نامه ارشد. دانشگاه الزهرا
- لطف آباد، حسین. (۱۳۸۱). آموزش شهروند ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان. فصلنامه نوآورها آموزشی شماره ۱۷
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). فلسفه اخلاق. قم: صدرا
- ملکی، محمدرضا. (۱۳۹۳). همایش ملی معماری پایدار
- ماهروزاده و رمضان پور(۱۳۹۰)، در پژوهشی با موضوع تأثیر روش اجتماع پژوهی بر نامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت های شهروندی
- نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۰). بررسی جایگاه مفهوم شهروند" در قانون شهردار". تهران : انتشارات سازمان شهردار"ها" کشور
- نیکومرام، هاشم . کاوسی، اسماعیل . سادات، حوریه. (۱۳۹۰). نقش مهندسی فرهنگی در توسعه اخلاق شهروندی، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری . سال سوم . شماره پنجم
- یزدانی ،محمد(۱۳۹۴)، بررسی و تبیین مولفه های اخلاق شهروندی در کتاب های دینی مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه دوره اول و دوم ،پایان نامه کارشناسی ارشد . اهواز. دانشگاه شهید چمران

- Abdolazadeh, M.M.(2001). The Study of School Role in Nurturing the Responsibility Morale in students. Unpublished research report, Research Council of Semnan State. (in Persian)
- Best,R.(2002). Post oral care and personal- social education. South well: ERA. Chambliss, J.J. (1996). Philosophy of Education an Encyclopedia. New York. Garland publishing.
- Eisner, E.W. (1994). The educational imagination: on the design and evaluation of school programs. New York: Macmillan publishing co, INC.
- Eskandari,Z.(2007).The study of social factors in relation to knowledge rate of Citizenship Right in Public and Azad students in Tabriz City .M.A Unpublished Thesis, University of Welfare and rehabilitation Sciences. .(in Persian)
- Fathi Vajargah, K.(2006). Considering Citizenship Values in Curriculum, Quarterly Journal of Educational Innovation, Vol 17, No 2, pp 28- 41.

- Greet ten Dam and Monique Volman(2004). Critical Thinking as Citizenship Competence: teaching strategies. Learning and Instruction. Elsvier,14.www. elsevier.com
- Gholtash, A. (2012).Citizenship Education (Approaches, Perspectives and Curriculum). Tehran: Yadvare Ketab.(in Persian)
- Honarparvar, P.(2009).The study of Priorities of Rights instruction from viewpoint of Citizenship and family. M.A unpublished thesis, Islamic Azad University, Tehran Center Branch.(in Persian)
- Jianxing yu, Lao feng (2010). Civic education and transition Governance in china. PEACE REVIEW.PALO ALTO.
- Janoski,T.(1998), Citizenship And Civil Society.Cup.
- liPMAN-M-(2002)- Moral education, higher- order thiking and P4C-EAYLY child development care- specialediton. Forth coming